

بسم الله الرحمن الرحيم.

محل ۲

مرور پادکست قبلی

سلام عرض می‌کنم خدمت همه شنوندگان عزیز پادکست‌های شهادت به مناسبت شهادت حضرت آیت‌الله رئیسی تهیه شده است. ان‌شاءالله خدا ایشان و تیم همراهشان را در اعلیٰ علین جا بدهد. خب، موضوعاتی را صحبت کردیم. این که اولاً شهید اصطلاحی با شهیدی که در قرآن گفته می‌شود، با همدیگر فرق دارد. موضوع مهم این که شهید نمرده است، بیان شد. گریه‌هایی که از حسرت و زبونی است بیان شد که این کار نباید بشود. نباید فکر بکنیم که مملکت دارد از دست می‌رود. نه، آقای رئیسی عزیز دل ما از دست رفته است و گرنه امام در شهادت شهید رجایی می‌فرمایند که از آنجایی که اسلام به اشخاص گره نخورده، برای همین چون به آرمان‌ها گره خورده است، از بین نمی‌رود. شما نگاه کنید، وقتی که شبهه‌ی شهادت پیغمبر را که در اُحد پخش می‌شود، خدا کاری که می‌کند، این است که می‌گوید «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ». یعنی شما فرض کن که اصلاً شهید شد پیغمبر، شما می‌خواهی برگردی؟ جوابش این است که نه! یعنی چه؟ یعنی به پیغمبرش هم وابستگی ندارد، چه برسد به اشخاص. ما باید هوای اشخاص را داشته باشیم ولی این نیست که خلاصه، اسلام، انقلاب به اشخاص گره نخورده است، (نه) به آرمان گره خورده و چون به آرمان گره خورده است، نمی‌میرد اصلاً. که آن هم یک سرفصلی بود که عرض کردیم. شوق به شهادت هم سرفصل مهمی بود که در تبعات این بحث عرض کردیم.

شوق شهادت

خب، یکی از تبعات دیگر این بحث، این است که شوق به شهادت وجود دارد. شوق به جهاد، شوق به شهادت، نرسیدن از مرگ. کسی که منطقش «أَحَدُ الْحُسَيْنِيِّينَ» است و یکی از دو امر خوب می‌خواهد برایش اتفاق بیفتد، این باید برای چه بترسد؟ چه باکی (دارد) این آدم؟ نه فقط در این جهاد و شهادتهای پیغمبر، شما داستان سحره، سحره ای که برای فرعون بودند و مقابله کردند با حضرت موسی و توبه کردند و برگشتند (را ببینید). عبارت‌های فرعون را ببینید. دارد می‌گوید: «قَالَ فِرْعَوْنُ ءَاَمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ». شما قبل از اینکه من اجازه بدهم، ایمان آوردید؟ «إِنَّهُ لَكَيْفَ زَكَمُ الَّذِي عَلَّمَكُمْ السَّحَرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ». این موسی معلوم است تعلیمتان داده است، بزرگ معلم شما بوده است. حالا به شما نشان خواهم داد چکارتان میکنم «لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ» بزرگ‌ترین تهدید انجام شد. جواب سحره چه بود؟ «قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ». گفتند: چه ضیری، چه ضرری؟ چه مشکلی ما داریم؟ تو داری ما را می‌فرستی به سمت پروردگار خودمان. «إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا أَن كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ». ما طمع‌مان این است که خدا ما را به واسطه خطاهایمان ببخشد و به واسطه «أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ»، از اینکه در این قوم... «أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» بودیم. اول ما ایمان آوردیم، اول ما ایمان آوردیم و این باعث می‌شود که ما اتفاقاً خوشحال شویم. ما خوشحالیم که شما ما را می‌فرستی آن طرف.

یک نامه‌ای دارد امیرالمؤمنین، در نامه‌ها هست که معلوم است جواب در حقیقت یک نامه‌ای از معاویه را دارند می‌دهند. می‌گویند «أَضْحَكْتُ بَعْدَ اسْتِغْبَارٍ» وسط گریه ما را خنداندی. تو داری من علی را تهدید به مرگ می‌کنی؟ من کی از مرگ تا حالا ترسیده‌ام؟ «أَضْحَكْتُ بَعْدَ اسْتِغْبَارٍ». نمی‌شود ترساند. علی و علی‌وارها را اساساً نمی‌شود به مرگ ترساند، به شهادت ترساند. خب، این هم یک سرفصل. شوق به جهاد، شوق به شهادت، شهادت را در آغوش کشیدن این یکی از اتفاقاتی است کهاگر مؤمنین اتفاقاً می‌خواهند خودشان را امتحان کنند، ببینند که به دنیا چسبیدگی دارند یا نه. اگر می‌خواهند خودشان را امتحان کنند، تصور کنند مرگ و شهادت خودشان را. اگر واقعاً دلشان دارد پر می‌کشد، اتفاقاً بدانند که در راه همین شهدا دارند ان‌شاءالله قدم برمی‌دارند. می‌دانند شوق به شهادت یکی از سرفصل‌هاست. پس این سرفصل را هم متوجه شدیم.

درگذشت شهادت گونه

یک نکته‌ی دیگر سؤال است. بعضی‌ها سؤال می‌کنند آیا کسانی که اجر شهید می‌خواهند ببرند، واقعاً باید در خون خود بغلتند یا جور دیگری هم ممکن است؟ این سؤال خیلی متداول است. حالا ممکن است مثلاً مثل حضرت امام در بستر به رحمت خدا رفته‌اند. آیا معنی شهید شدن به همین معنای اصطلاحی ما، که این اصطلاح از در روایات هم استفاده شده است، آیا این یعنی اینکه حتماً باید شهید بشوم؟ یعنی در خون خودم بغلتم؟ یا نه، اگر من جور خاصی زندگی بکنم، یک سبک زندگی خاص مجاهدانه داشته باشم که حالا توضیح خواهیم داد، من می‌توانم شهید شوم، می‌توانم اجر شهید داشته باشم. قرار بود بگوییم که می‌خواهیم شهید شویم. آقا، کیا می‌خواهند شهید شوند؟ هر کسی می‌خواهد شهید شود، بسم الله، گوش بدهد. شهید شدن یک سبک زندگی است که اگر آن سبک زندگی را انتخاب کند طرف، شهید می‌شود. نه اینکه لزوماً در خون خودش می‌غلطد، نه ولی شهید می‌شود. من از این آیه شروع می‌کنم. آیه‌ی معروفی است، آیه‌ی ۹۵ سوره مبارکه نساء.

در این آیه خلاصه‌اش این است که ما دو سبک زندگی مؤمنانه داریم: سبک زندگی مؤمنانه‌ی آبی، بی‌ضرر، نشسته می‌فرماید «لَا تَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» یک (سری) آدم‌های بی‌ضرر، آبی، نشسته گوشه‌ای نمازش را می‌خواند، کارهایش را انجام می‌دهد. نمی‌گویم این کارها بد است. حالا بعداً خود قرآن هم می‌گوید این کار بدی نیست. این یک سبک زندگی است.

«وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» یک عده‌ای هستند با تمام دارایی‌شان آمده‌اند در صحنه، همه دارایی‌شان را آورده‌اند در میدان. خودش، جانش، مالش، همه را برداشته، آورده است. طبیعتاً اینها آدم‌هایی هستند که نشسته‌اند، مجاهدند، ایستاده‌اند و ضرر و هزینه هم دارند می‌دهند. آقا جان عزیز من، اگر یک سبک زندگی‌ای داشتی، مؤمنانه هم بود، ولی دیدی ضرر نمی‌دهی بابتش، هزینه نمی‌دهی، سخت نیست، بدان در قله حرکت نمی‌کنی. داری در دشتِ هویج پیاده‌روی می‌کنی. یعنی قله‌نوردی‌ها سخت است. «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً» اولش می‌گوید که درجه‌ی اینها بر آنها برتر است. بعد می‌گوید «وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ» هردو تایش خوب است. «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» خدا مجاهدین را بر قاعدین به اجر عظیمی فاصله داده است. بالاخره این دو تا یکی نیستند. سرم را بشکن نرخ را نشکن. بالاخره نرخ مجاهد با نرخ قاعد و نشسته فرق دارد. سبک زندگی‌ات چیست؟ مجاهدانه است؟ ان‌شاءالله شهید بشوی. شهید می‌شوی نه (اینکه حتما) در خون خودت می‌غلی.

این آیه‌ی مهم را که همه بلدیم، سوره مبارکه احزاب، همه بلدیم. «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» از بین مؤمنین، یک عده مردان مردی هستند که «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» آن عهد الهی را پایش ایستاده‌اند و محقق کرده‌اند. خب، این عهد چه بود؟ در چند آیه قبلیش آمده است «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدُّبُرَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا». عهد اینکه به دشمن پشت نکنید. شما باید دشمن را از بین ببرید. تار و مار کنید. قله را فتح کنید. کار شما این است «وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا» شما زیر سؤال می‌روید، از شما سؤال می‌کنند این کار را کردی یا نکردی؟ حالا اگر شما این سبک زندگی را داشتی که به دشمن پشت نمی‌کنی، مبارزه می‌کنی، «فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» یک عده این عهد را به پایان رسانده‌اند، «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ» یک عده منتظرند، در صف هستند، آنها هم باید برسند. ولی مهم (این است) «وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» اینها عهدها را پنجاه و هفتی نگه داشته‌اند. ببینید عزیزان، گاهی اوقات من چون نمی‌توانم قله را بروم، چون نمی‌توانم بروم دماوند، می‌روم در محلات پیاده‌روی. به این نمی‌گویند قله‌نوردی. من چون ضعیف شده‌ام، دارم قله‌ها را می‌کشم پایین.

قبلاً قرار بود، زمانِ امام، ما برویم «وَقِيلُوا لَهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةً». قرار بود مثلاً برویم «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» باید عالم و پرچم را بدهیم دست حضرت. اگر عهد را تبدیل کنی به یک چیز آبی دیگر، بگوئی خب من حالا از این به بعد عهدم این است. چرا؟ چون زورش را ندارم. چون پیر شده‌ام در این کار. ایداً! آن کسانی که می‌خواهند شهید بشوند، عهدهایشان پنجاه و هفتی است و روی همین مانده‌اند. اگر این کار را بکنی، شهید شده‌ای، ولو اینکه در بستر بمیری. چون همه ممکن است این توفیق در خون غلتیدن را پیدا نکنند، ولی آیا شهید شده‌اند یا شهید نشده‌اند اینها؟ ما آیا مرگ شهادت‌گونه داریم؟ درگذشت شهادت‌گونه داریم؟ بله، به واسطه همین قضیه، درگذشت شهادت‌گونه داریم.

ببینید در همین آیه‌ی ۱۰۰ سوره مبارکه نساء آیه‌ی معروف است، می‌گوید «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» کسانی که مهاجرت می‌کنند، در راه خدا دارد مهاجرت می‌کند، اینها اقامتگاه‌های فراوان و فراخ و گسترده‌ای برایشان هست. فکر نکن همان جایی که مانده‌ای در مملکت شرک و کفر، آنجا فقط خوش می‌گذرد. نخیر، جاهای دیگر هم خوش می‌گذرد. تو بیا در نقطه‌ای که می‌خواهی در دهان کفر و شرک بزنی، در دهان «أَيُّمَةُ الْكُفْرِ» بزنی، در دهان آمریکا بزنی، تو این هجرت را بکن. «يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ» کسی که از خانه‌اش خارج شود، «مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ» به سمت خدا و رسول مهاجرت می‌کند، «ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ» مرگ او را بگیرد، ببینید مرگ است ولی «فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» این یکی از منحصر به فردترین آیات قرآن است. اجرش گردن خدا است. خدا می‌گوید گردن من است دیگر. یعنی اجرش یک جوری است که اصلاً قابل محاسبه و شما بفهمید و این چیزها خبری نیست. اجرش گردن من است.

همین جاست که امیرالمؤمنین در نهج البلاغه اشاره به همین آیه دارند. می‌گویند «مَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ» کسی که در رختخواب بمیرد، «وَهُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ» بدانند در دم و دستگاه چه کسی دارد توپ می‌زند. ببینید، احیاء امر، رفیق عزیز من احیاء امر به این نیست که من یک سری کارهای فکری بکنم، نخیر، احیاء امر به این است که من آرمان را بفهمم، قله را بفهمم، برنامه امام را را بفهمم، در آن برنامه بروم احیاء آن امر را بکنم، یعنی برای آن برنامه‌ریزی بکنم. بفهمم موقعیت حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف کجاست؟ من در توپ را تا آنجا برسانم. این می‌شود احیاء امر. مثلاً کسانی که در صحنه‌ی فوتبال، فوتبال بازی می‌کنند، باید گل را تشخیص بدهند کجاست؟ کدام ور قرار است توپ را ببرند؟ این می‌شود احیاء امر. اگر این کار را بکنند «مَاتَ شَهِيدًا». این، شهید مُرده

است «و وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» این اشاره به همین آیه صدم سوره مبارکه نساء دارد. این اجرش با خداست. پس می‌شود شهید شد. می‌شود در خون خودش نعلتید و از این طرف، شهید شد.

کسانی که می‌خواهند شهید باشند و می‌خواهند شهید بشوند، باید سبک زندگی خاصی را انتخاب بکنند که این سبک زندگی قطعاً هزینه دارد. خودت و خانواده‌ات همه باید پای کار بایستند. اگر می‌بینید شهدا خودشان، این شهدای مدافع حرم اخیراً می‌بینید، ایستاده است. می‌بینید از خانواده زده، چاره‌ای نیست. ایستاده. در جبهه‌ها. و جهاد فی سبیل الله دارد می‌کند که حالا عنوان مهاجر هم به آن اضافه کنید فقط. مهاجر کیست؟ بحثش مفصل است. مهاجر کسی است که کاری که می‌کند برای و در خط و در پازل ولی است. هر تلاشی، هر رفت و آمدی، اسمش مهاجرت نیست. آن رفت و آمد و تلاشی جهاد و مهاجرت است که در پازل ولی باشد. اگر پازل ولی باشد، اسمش مهاجرت است. اسمش جهاد فی سبیل الله است. وگرنه اگر یک کاری باشد آن، یک تلاشی است. شاید این تلاش‌ها حتی بد هم باشد. واقعاً ممکن است دوییدن‌هایی آدم داشته باشد روی تردمیل. می‌دود ولی جایی نرفته است. لذا این نکته که من می‌خواهم جهاد کنم، تلاش بکنم، مهاجرت بکنم، اینها، همه مهاجرت‌ها به سمت ولی است. باید در محضر ولی این تلاش‌ها را بکنند. وگرنه به چیز قابل ملاحظه‌ای دست پیدا نمی‌کند. اگر حتی خرابکاری نکرده باشد. ان شاء الله که همه ما شهید می‌شویم.

جمع بندی

خب پس ما دیدیم آیات مرگ شهادت گونه را دیدیم. اگر حضرت آقا راجع به آقای رئیسی می‌فرمایند درگذشت شهادت گونه، این مُصَحِّح قرآنی دارد. یعنی یک عده «وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ» هستند. چرا به آن می‌گویند شهادت گونه؟ چون آثار فقهی شهادت را ندارد. یعنی فرض بفرمایید غسل و کفن لازم دارد. شهادت گونه است، ممکن است از مقام شهدا خیلی بالاتر باشد، از مقام خیلی از شهدا. شما راجع به امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه چه تصویری دارید؟ کسی که در بستر مُرده است، ولی قلم او، حرف او، کار او، برنامه‌ریزی او، کلی مجاهد و شهید تحویل داد. این مرگ در بستر است، ولی شهادت گونه است، از این جهت. خدا ان شاء الله یا ما را در خون خودمان بغلتاند بشویم «قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ». یا اینکه در قطار «وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ» عهدها را تبدیل نکنیم. کاری برای خودمان نکنیم. کاری برای رضای خدا بکنیم، کاری برای پیشبرد امر ولی بکنیم، احیای امر بکنیم. از این جهت ان شاء الله ما هم شهید شده‌ایم.

خب، دمتان گرم. ان شاء الله. بحث بعدی را راجع به اینکه مقطع عوض می‌شود با شهادت‌ها به خصوص شهادت‌های خاص. و به صورت کلی با ابتلائات. و ما وارد مرحله‌ی بعدی می‌خواهیم بشویم. به این نکته اگر توجه نکنید، آثار شهادت، آثار اندکی می‌شود روی ما. حجت‌هایی برما وقتی که تمام می‌شود، باید بر طبق حجت‌ها، عملیات‌های لازم را انجام بدهیم. یا علی. خدا حافظ.